



دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۳۵
شنبه ۹ تیر ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

حزب توده ایران درباره پیش نویس قانون اساسی نظر میدهد

حاکمیت خلق

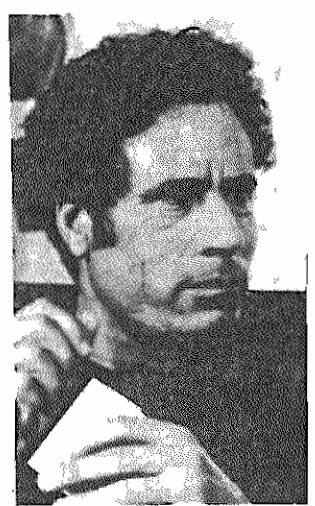
مصاحبه «مردم»
بارفیک ایرج
اسکندری

از طریق مجلس شورایی ملی و شوراهای محلی، و حقوق اداری و فرهنگی ملی در واحدهای ملی، باید در قانون اساسی تصریح و تامین شود

بقیه در صفحه ۲

معمّر القذافی رهبر لیبی:

اتحاد شوروی برای لیبی یک دوست است



قذافی: از نظر اجتماعی، آمریکا نه در قرون وسطی، بلکه در «قبل از قرون وسطی» بسر می برد.

مسلان است و رهبر یک کشور مسلمان. وی از یک سیاست قاطع ضد امپریالیستی پیروی میکند، و در پیروی از همین سیاست قاطع ضد امپریالیستی است که کشورش دارای مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی است. و اینهم طبیعی است. اتحاد شوروی بدون قید و شرط، صادقانه و قاطعانه از همه نیروهای راستین ضد امپریالیستی، صرف نظر از تفاوت های عقیدتی و مسلکی، پشتیبانی میکند و اگر دولتی واقعا ضد امپریالیست است و بخواهد در مبارزه ضد امپریالیستی خود پیروز شود، به پشتیبانی و دوستی اتحاد شوروی نیاز حیاتی دارد. معمّر القذافی، با درک این واقعیت، طی مصاحبه ای با خبرنگار هفته نامه «نیوزویک» (مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۷۹-۲۸ خرداد ۱۳۵۸) بار دیگر بردوستی اتحاد شوروی با لیبی تأکید کرده است. شایان ذکر است که خبرنگار نیوزویک، در برابر حملات شدید قذافی به امپریالیسم آمریکا، طبق شیوه معمول خبرنگاران غربی، با طرح سئوالات تحریک آمیز و موزیانه، کوشیده است اتحاد شوروی را هم سطح ایالات متحده آمریکا قرار دهد. ولی معمّر القذافی با پاسخ های روشن و قاطع خود، این تلاش ناموفق خبرنگار نیوزویک را نقش بر آب کرده است. اینک بخشی از این مصاحبه درباره مناسبات لیبی و اتحاد شوروی،

در صفحات بعد:

- اسناد ناظر به قرارداد ۲ جانبه ایران و آمریکا باید منتشر شود (صفحه ۶ ستون اول)
- چهارمین سالگرد اعتصاب خونین کارگران نساجی (صفحه ۶ ستون سوم)
- بررسی کوتاهی از اوضاع پالایشگاه آبادان (صفحه ۳ ستون اول)
- از رسول رنجبه امام خلق - شعری از فرهاد ره آور (صفحه ۶ ستون اول)
- امام خمینی مورد احترام همه مردم از جمله حزب توده ایران است. (صفحه ۲ ستون چهارم)
- کنفرانس توکیو، متضاد (صفحه ۵ ستون اول)

سیاست امپریالیستی بی اعتبار ساختن، زشت ساختن و غلط جلوه دادن

مار کسپیم - لنینسیم

دلخواه رخدادهای تاریخی، از طریق مهره بازی با آمارها، از طریق سوء استفاده از اعتقادات مذهبی یا احساسات میهن پرستانه و یا صاف و ساده از راه جعل و دروغ خاص و خالص، مارکسیسم را بعنوان یک نظریه غلط، متضاد، کهنه شده، ضد انسانی، تخیلی غیر علمی و غیره رد می کنند. در این زمینه هزاران کتاب و رساله از سطح آکادمیک گرفته تا سطح تبلیغات «بولوار» نوشته اند. (۲) از درون، با تظاهر به قبول مارکسیسم - لنینسیم و با ادعای یافتن مارکسیسم - لنینسیم ناب، اصیل، بی انحراف، آنرا بسوی تجزیه و انشعاب و تحریف می برند و آنرا «پرچم» یک سلسله اقدامات نه فقط نادرست، بلکه

دشمنان واقعی انقلاب را از مردم نباید پنهان کرد

معاون وزارت کشور با گفتن مطالب غیر واقعی در مورد کشورهای سوسیالیستی چه هدفی را دنبال می کند؟

حرفها و نظریاتی است که شنیدنش از زبان افراد عادی و غیر مسئول، و حتی خواندنش در صفحات برخی روزنامه های جنجالی، که برای جلب توجه خواننده، بدون توجه به موقعیت اجتماعی خویش، گاه مبتذلترین خبرها را با عنوانهای «بسیار هیجان انگیز» و با حروف درشت در صفحه اول درج میکنند، آنقدرها عجیب و غیر عادی نیست. اما وقتی یک مقام رسمی، با داشتن مقام معاونت یک وزارتخانه، میخواهد مطلبی را بیان کند، بسیار شایسته است که آنچه را میخواهد بیان کند، در ترازوی خود بسنجد، از واقعیت دور نشود و شایعات مبتذل را ملاک گفتار قرار ندهد. خلاصه آنکه بقول معروف، دوبار ببیند و یک بار سخن بگوید. متأسفانه آقای طباطبائی، معاون وزارت کشور، در بسیاری از گفته ها و مصاحبه های خود، ندرعایت ضرورت بیان حقایق رامیکند و نه اساساً توجهی دارد باینکه بیانات خود را در مطابقت با مسئولیت مقام رسمی خویش تنظیم کند. آقای طباطبائی، ضمن بیانات خود در باره مجلس مؤسسان (کبهان ۲۳ خرداد) - که در این زمینه خاص مورد تأیید ماست - معلوم نیست ناگهان چه طور ملهم میشوند و باین صرافت می افتند که رشته سخن را به کشورهای سوسیالیستی و بقول خودشان

تبلیغات امپریالیستها، و بر رأس آن دستگاه عظیم تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا که کارشناس «سوء اطلاع» و منطله گری و گمراه سازی است، و در این فن، به ریزه کاریهای روانی انسان، بقصد دام گسترهای ابلسی، وارد است، در زمینه سیاست ضد کمونیستی (که محور مرکزی سیاست ایده نولوژیک آنهاست)، اسلوب بسی اعتبار سازی، زشت سازی و منطله در مارکسیسم - لنینسیم را بکار می برند. بدون انحراف، بدست «کارشناسان» این توطئه شیطانی که غالباً نام پرتین دکتر و پروفیسور را نیز یدک می کشند، کوما لبرزی کاغذ سیاه شده و ضدها فرستنده به صد هাজারان شب و روز سرگرم اجراء این دجهاد مقدس اند. از بدبختی آنها، حقیقت علمی مارکسیستی - لنینستی، علی رغم ظریفترین واژون سازیها، راه خود را به پیش میکشاید و این واژون سازیها، در بهترین حالات تنها میتواند این حرکت ظفر مندانه را کند کند، نه بیش. مبارزه امپریالیستها علیه مارکسیسم - لنینسیم بدو شکل انجام می گیرد، از برون و از درون. (۱) از برون، از منبر انواع جهان بینی های ظاهراً فلسفی یا ظاهراً علمی، از راه تعبیر و تفسیر

ضد انقلاب در روستاها: «آتش زیر خاکستر»

از مناطق جنوبی کشور خبر می رسد که همین عوامل ضد انقلاب، با همکاری زمینداران بزرگ، سرمایه داران وابسته و دلان و قاچاقچیان، کله گله گاو و گوسفند و دامهای دیگر را از مناطق دامپروری بیرون می کنند و با کشتی به کشورهای عربی خلیج فارس و دریای عمان صادر می کنند، و در عوض با همان کشتیها، کالاهای قاچاق، از اسلحه گرفته تا انواع سیگارهای خارجی - بیشتر از آمریکا و اسرائیل - به کشور وارد می کنند و با استفاده از شبکه مجهز و گسترده پخش و فروش کالاهای قاچاق، که دست نخورده و بدون مانع در سراسر کشور و تا اعماق روستاها نفوذ دارد، به آسانی می فروشند. - نوع تازه ای که نه خرابکاریهای ضد انقلاب راه آیت اله ربانی در شیراز افشا کرد و گفت، «متأسفانه چند روزی است که آشوبگران دست به کارهای تازه ای زده اند جنگلها را آتش می زنند. آنها ترور را رها کرده به جنبه اقتصادی روی آورده اند.» - روزنامه «اطلاعات» به نقل از خبرنگار خود در «سنقر» نوشت: «عده ای از عوامل سیه پالیزبان، آدمکش فراری، چند روز قبل در روستای «کهریز» واقع در غرب سنقر کلیایی، قصد استخدام چریک داشتند، که در برابر مقاومت اهالی روستا پا به فرار گذاشتند.

در باره فعالیتهای جنایتکارانه ضد انقلاب، از جمله در روستاها، هر روز، خبرهای تکان دهنده ای در روزنامه ها انتشار می یابد، که اگر دولت موقت چنانکه متأسفانه شیوه کنونی آن است، در مهار کردن این فعالیتهای با قاطعیت انقلابی اقدام نکند، دستاوردهای بزرگ انقلاب ایران را در معرض خطرهای جدی تر قرار خواهد داد: - چندی پیش وزارت کشاورزی و منابع طبیعی در اطلاعیه ای خطاب به روستاییان، که اکنون در کار جمع آوری محصول هستند، هشدار داد که عوامل ضد انقلاب به روستاها روی آورده اند، و به عنوان خریدار فرآورده های کشاورزی، پیشنهاد می کنند که غله کاران و سایر تولید کنندگان، محصولات خود را با قیمتی بیش از قیمت بازار یا قیمت تضمین شده دولت به آنان بفروشند. در این اطلاعیه تأکید شده است که، این به اصطلاح خریداران و دلان، در حقیقت عوامل فروخته شده ضد انقلاب اند و قصدشان این است که فرآورده های کشاورزی و دامداری را به هر قیمت که باشد ولو با نابود کردن کالاها، از بازار مصرف داخلی خارج کنند و بدینسان نسوعی قحطی مصنوعی بوجود آورند.

قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

امام خمینی مورد احترام همه مردم و از جمله حزب توده ایران است

دارد و يك مرد توفان به همان بزرگی لیتکن و لنین با تمام خصوصیات لازم برای رستگاری ملت و مردم ایران است، جمیع شرایط برای ریاست جمهور شدن را دارا میباشد.

نظیر وضع امروز ما، خطرهای در تمام نقاط در کمین ماست. در برابر همه توطئه‌هایی که علیه رژیم انقلابی ایران میشود، تنها امام خمینی است که با احترامی که بین همه واز جمله حزب توده ایران

آیت‌الله خلیفای، که در خوزستان پسر میبرد، طی سخنانی پیرامون دادگاه‌های انقلاب و احکام یحیی که تا کون در این دادگاهها صادر شده است، گفت: «در شرایط کنونی در وضع بحرانی

شاه مخلوع به میهن خود اسرائیل باز میگردد

را تضمین کند و خود دچار تزلزل در داخل کشور نشود، میتواند بفرمان امریکا میهماندار شاه مخلوع باشد. از سوی دیگر اقامت شاه مخلوع در يك کشور واقع در منطقه خاورمیانه، این امکان را برای امریکا و شاه مخلوع فراهم می‌آورد که از نزدیک عملیات ضد انقلابی علیه رژیم انقلابی ایران را رهبری کنند. بی‌شک شاه مخلوع پس از ورود به مصر و یا اسرائیل، بر عملیات ۹ هزار ساواکی و عمال رژیم گذشته، که اکنون پرویز ثابتی جلاد فراری ساواک فعالیت‌های ضد انقلابی آن‌ها را اداره میکنند، نظارت مستقیم خواهد کرد.

که میخواهد بهر نحو شده بقایای نفوذ خویش را در ایران حفظ و زمینه بازگشت را برای خود فراهم کند، و از طرف دیگر میداند که با پناهندگی دادن به شاه مخلوع خشم به حق خلق ایران را بر می‌انگیزد و این هدف را از بین میبرد، توسط دلالان سیاسی خویش نظیر کی‌سینجر و راکفلر، که در واقع دولت اصلی و حاکم واقعی امریکا هستند، تلاشی را برای اسکان شاه در نقطه‌ای از جهان، که زیر نفوذ مستقیم امریکا باشد، آغاز کرده، که ظاهراً دعوت وی به اسرائیل نتیجه این تلاش است. البته این در شرایطی است که حدس زده میشود که اگر رژیم خود فروش سادات، امنیت جانی شاه مخلوع

شاه به دامن یکی از دو میهن اصلی خود، یعنی اسرائیل باز میگردد، میهن دیگر او امریکاست که بی‌شک مقدمات سفر شاه به اسرائیل بدستوران فراهم شده است.

یکی از نمایندگان پارلمان اسرائیل بنام ساموئل اسلاتوشارون اعلام کرده است که، شاه مخلوع و خانواده‌اش دعوت شده‌اند تا در اسرائیل زندگی کنند. این دعوت هم طی يك نامه‌ای و هم در يك ارتباط تلفنی با اطلاع شاه رسیده است. در همین نامه و ارتباط تلفنی به شاه یادآوری شده است که او میتواند با توجه به تدابیر امنیتی کافی، در اسرائیل اقامت کند. واقعبینان اینست که دولت امریکا

چرا نگهبانان مراکز توزیع برق تهران را برداشته‌اند؟

مراکز توزیع برق تهران میباید در برابر هر گونه خرابکاری با دقت و جدیت کامل محافظت شود. در این نکته تردیدی نیست. تا بحال هم این محافظت انجام می‌گرفته. ولی خیر نگران کننده‌ای که بدست آورده‌ایم اینست که تعداد زیادی از نگهبانان این مراکز را تحت عنوان «آموزش» برداشته و به سایر قسمتها منتقل کرده‌اند. نتیجه اینکه بسیاری از مراکز برق تهران بدون نگهبان مانده‌اند.

اینکه این تصمیم بعدی یا سهو انجام گرفته، مسئله‌ای است که باید روشن شود. ولی از اینکه این تصمیم غلط و خطرناک است، تردیدی نمیتواند وجود داشته باشد. ما از مسئولان امر خواهان رسیدگی فوری به این مسئله هستیم.

آزرقفا و هواداران و دوستان

تقاضا میکنیم که چکهای کمک مالی به حزب را با شماره حساب و نام گیرنده مشخص نمایید.

چکهای فاقد مشخصات قابل وصول نیست.

دارنده حساب: تقی کی‌منش، شماره حساب: ۳۳۳۲، شعبه ۴۱۸، بانک ملی ایران (شاه اسماعیل صفوی)

ضد انقلاب در روستاها...

بقیه از صفحه ۱

این نوکران استعمار به روستاییان گفتند که از سوی پالیزبان مأموریت دارند، در ازای ماهی شش هزار تومان، چریک استخدام کنند و حقوق سه ماهه را نیز از پیش پرداخت خواهند کرد. اهالی روستا درصدد دستگیری آنها برآمدند، ولی عوامل پالیزبان، که مسلح بودند، موفق شدند فرار کنند. همین روزنامه بعداً خبر داد که ۳۵ تن از این اشرار در نوآمری «سرپل ذهاب» دستگیر شدند.

همچنین نامه‌ای را که «بلوچهای مقيم مکرز»، درباره عوامل ضد انقلاب و شیوه کار آنها در سیستان و بلوچستان، به آقای بازرگان نخست‌وزیر نوشته بودند، در روزنامه‌ها درج شده بود. در این گزارش همداستانی و همکامی سرسپردگان شناخته شده رژیم گذشته با برخی از افراد شاغل در نیروهای انتظامی این منطقه افشا شده است که خلاصه آن را می‌خوانید: «عوامل و سرسپردگان رژیم گذشته، یعنی خانها و مزدوران محلی آنها، این روزها متوسل به حیل می‌شوند و با نزدیک کردن خود به مقامات انتظامی (ژاندارمری، شهربانی و ارتش)، از وقایع و جریانهای روز اظهار ناراضی می‌کنند و می‌گویند که آماده‌اند جلوی این وقایع و ناراحتی‌ها را بگیرند. جای بسی تأسف و تأثر است که این مقامات هم، با آنکه آنها را می‌شناسند، همکاری دروغین و مصلحتی آنها را می‌پذیرند... باین کارها (هم) اکنون این عده با استفاده از سلاحهای رایگان و اهدایی، هر چه آزادتر، به قتل و غارت و راهزنی و کارهای تشکیک خود ادامه می‌دهند.»

بلوچهای مقيم مکرز، برای مقابله با این خطر بزرگ ضد انقلاب، خواستهای خود را از دولت به این شرح اعلام کردند: ۱- ایجاد کار با اجرای طرحهای عمرانی سودمند و احیای کشاورزی، از طریق پرداخت وامهای بلند مدت کم بهره یا بدون بهره به کشاورزان واقعی، ۲- دستگیری و مجازات سرسپردگان رژیم قبلی و عوامل ضد انقلاب، ۳- تأمین امنیت از طریق تشکیل گروههای پاسدار توسط نیروهای محلی و مردمی، ۴- تصفیه سازمانهای انتظامی و ادارات دولتی از عوامل فاسد و ضد انقلاب. اینها، قسمتی بود از فعالیتهای رشد یافته ضد انقلاب در روستاهای ایران، که آزادانه و غالباً بدون برخورد با مقاومت جدی سازمانهای دولتی، ادامه دارد. دامنه این خرابکاریها، که چون حلقه‌های زنجیر در سراسر کشور، در شهر و روستا، پیوند یافته‌است، بدان سبب هر روز گسترش می‌یابد و اشکال تازه‌ای به خود می‌گیرد که:

چهره اداری و فرهنگی است. چهره اداری به معنی برخورداری از حقوق در زمینه وصول و مصرف عوارض محلی و بویژه مالیات‌های مستقیم، تأمین بهداشت، حفظ امنیت داخلی شهرها و نظایر آنست اما چهره فرهنگی علاوه بر آزادی زبان مادری و استفاده از آن در زمینه آموزش و پرورش عمومی و تعلیمات دانشگاهی و حرفه‌ای روستائی و موارد دیگر یادآوری شده در پیشنهاد حزب، شامل امکان رشد هنر و ادبیات ملی و حفظ آداب و سنن محلی و همچنین عمل به عقاید دینی واحدهای ملی نیز میگردد.

حزب توده ایران بر آنست که با تشکیل شوراهای محلی منتخب مردم و شناسائی حقوق اداری و فرهنگی واحدهای ملی، میتوان هم توطئه‌های امپریالیسم و سرسپردگان داخلی آنرا عقیم گذارد و هم اتحاد آگاهانه و داوطلبانه خلقها را پی‌ریزی کرد و بدینسان نیروی خلاقه عظیم مردم سراسر کشور را در راه ایجاد برای سازندگی در جامعه نوین بکار گرفت.

حاکمیت خلق از طریق مجلس شورایی ملی و شوراهای محلی و حقوق اداری و فرهنگی ملی در واحدهای ملی، باید در قانون اساسی تصریح و تأمین شود

در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به هیات دولت موقت جمهوری اسلامی، که در روزنامه «مردم» (شماره ۴۰) انتشار یافت، در پیشنهاد مربوط به حق حاکمیت ملی و قوای ناشی از آن گفته میشود:

«حاکمیت خلق از طریق مجلس شورای ملی و شوراهای محلی منتخب مردم اعمال میشود. مجلس شورای ملی مرکب از نمایندگان منتخب تمام اهالی کشور، قدرت مرکزی را اعمال میکند و شوراهای استان، شهرستان، شهر و ده، که از طرف اهالی هر يك از بخشهای مذکور انتخاب میشوند، طبق اختیارات مشخصی که به تصویب مجلس شورای ملی میرسد، نسبت بامور داخلی قلمرو خود و در حد مسئولیتها و وظایف خود حاکمیت خلق را اعمال میکنند.

تقسیمات کشوری باید بر پایه خصوصیات ملی انجام گیرد. در واحدهای ملی، شوراهای حقوق اداری و فرهنگی ملی را اعمال میکنند، که حدود آنرا قانون تعیین میکند. زبان مورد تکلم در هر واحد ملی، در جنب زبان فارسی، برای آموزش، مکاتبات و اسناد رسمی ادارات محلی، مذاکرات شوراهای و محاکمات رسمیت دارد.»

در این پیشنهاد، از سوئی تشکیل شوراهای محلی در سراسر کشور و از سوی دیگر ویژگیهای واحدهای ملی در چارچوب شوراهای مطرح میشود، که هر دو آنها، در شرایط مشخصی کنونی، در بهر امر رساندن انقلاب شکوهمند مردم ایران نقش بسزائی دارند.

تشکیل شوراهای استان، شهرستان، شهر و ده موضوع جدیدی نیست. این یکی از خواستههای اساسی توده‌های مردم طی بیش از نیم قرن اخیر است که، علیرغم مبارزات سرسخت و پیگیر نیروهای ملی و مترقی، هیچگاه جامه عمل نپوشید. گرچه نظریه «سپردن کار مردم بدست مردم» در دوران رژیم خودکامه پهلوی بقیاسی گسترده تبلیغ میشد، ولی بعلمت ترس حیوانی سران رژیم از توده‌های خلق، عملاً کار مردم بدست گروهی از ایلادی امپریالیسم و ارتجاع داخلی سپرده شد، که نتایج فلاکت‌بار آن اکنون برای احدی پوشیده نیست.

اصولاً در شرایط حکمرانی دیکتاتوری سلطنتی، مسئله اعمال حاکمیت خلق بوسیله شوراهای منتخب مردم نمیتوانست مطرح گردد. این انقلاب پیروزمند خلقهای میهن ما است که امکان طرح و عملی ساختن مسئله بسی مهم و حیاتی سپردن کار مردم بدست مردم به معنی واقعی آن، یعنی اعمال حاکمیت خلق را، از طریق شوراهای محلی، فراهم آورده است.

و اما پیشنهاد حزب توده ایران در مورد اختیارات واحدهای ملی، که میباید در چارچوب شوراهای استان به‌وجود آید، از آن لحاظ حائز اهمیت است که، گرچه در پیش‌نویس قانون اساسی ارائه شده از جانب دولت موقت، وجود اقوام فارسی، ترک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و نظایر آن و برابری حقوق آنها تأیید شده، با اینهمه به یکی از معضلات کشور، یعنی مسئله اختیارات اداری و فرهنگی واحدهای ملی ساکن میهن ما توجه کافی نشده است.

حزب توده ایران از نخستین روز تشکیل، با در نظر گرفتن شرایط عینی جامعه، مسئله تأمین حقوق خلقهای ساکن ایران را مطرح و در راه حل آن مبارزه کرده است. برنامه حزب توده ایران، پس از تذکر اینکه، رشته‌های مختلفی خلقهای ساکن ایران را بهم پیوند میدهد، بدروستی خاطر نشان میسازد که:

«این خلقها طی قرنهای متمادی تاریخ با یکدیگر سرواشت مشترکی داشته‌اند و در ابداع و ایجاد فرهنگ غنی و برآزنده ایران باهم همکاری کرده‌اند و در راه استقلال و آزادی متحد و دوشادوش هم فداکاریهای بیشمار نموده‌اند. یکی از بارزترین مظاهر این همیوندی و فداکاری در راه استقلال و آزادی ایران، مبارزه متحد قهرمانانه خلقهای ساکن میهن ما علیه رژیم جابر و دست‌نشانده امپریالیسم امریکا بود، که به پیروزی جابر و انقلاب پرتوان مردم انجامید. خلقهای ایران در جریان این نبرد تاریخی به ثبوت رساندند که منافع اساسی آنها در راه مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه حفظ استقلال، آزادی و تمامیت ارضی ایران باهم در می‌آمیزد.

بنظر ما، اکنون که انقلاب وارد مرحله نوسازی جامعه گردیده، اتحاد عمیق بین خلقهای ایران، از طریق تأمین برابری کامل حقوق آنها، بیش از پیش کسب اهمیت میکند. زیرا در گذشته ستم ملی، که از جانب رژیم سرنگون شده اعمال میشد، مانع بزرگی در راه ترقی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سراسر کشور بود. درهم شکستن این سد وظیفه کلیه نیروهای صادق به انقلاب است.

بهین دلیل، حزب توده ایران مسئله خودمختاری را بعنوان وسیله‌ای برای دستیابی به ایجاد يك اتحاد واقعی و ممنوی بین خلقهای ایران بشکل مشخصی و تاریخی مطرح میسازد. از این دیدگاه، مسئله خودمختاری در چارچوب وحدت ملی و با حفظ اکید استقلال و تمامیت ارضی ایران، دارای دو

بطور عمده، روش سازشکارانه و ناپیکر دولت موقت زمینه‌های مساعدی برای آن به وجود می‌آورد.

همه می‌دانند که خانها و زمینداران بزرگ، که ریشه پوسیده فئودالی آنها هنوز از زمین کنده نشده است، و سرمایه‌داران نوکیسه‌ای که در ۲۵ سال اخیر به روستاها چنگ انداخته‌اند، به لحاظ برخورد طبقاتی خود با انقلاب، از مطمئن‌ترین عوامل رژیم سرنگون شده پهلوی و امپریالیسم و توانا ترین نیروی ضد انقلاب در روستاها هستند. همین‌ها هستند که با همدستی با زمانندگان ساواک و ایادی استعمار، با زور تفنگچیان و چماق‌داران مزدور خود، به روستاها می‌تازند، دهقانان و خانواده آنها را از زمین و خانه‌شان بیرون می‌رانند، زمینهای روستاییان را تصاحب می‌کنند، محصولات و حاصل رنج و زحمت آنها را به غارت می‌برند و بدینسان پایگاه تازه‌ای برای ضد انقلاب بنیان می‌نهند. با آنکه امام خمینی در پاسخ استانداران، که در این خصوص از ایشان کسب تکلیف کردند، با قاطعیت و با هشاری انقلابی چنین فتوا داد که، اینان خرابکاران و مفسدان هستند و دولت موظف است با نیروی ارتش و ژاندارمری و با همکاری پاسداران انقلاب آنان را به جای خود نشاند، با اینهمه، کار دولت از صدور اعلامیه و «تهدید» جلوتر نرفت. و تا آنجا که معلوم است هنوز این خرابکاران و مفسدان در بسیاری از مناطق روستایی کشور به تاخت و تاز و تاراج و ویرانسازی خود ادامه می‌دهند، و هنوز بسیاری از دهقانان آواره در شهرها، از این اداره به به آن کمیته سرگردانند. هر روز خبرهای بسیاری در این زمینه می‌خوانیم، چنانکه در آخرین شماره هفته نامه «چرس» (برای دهقانان) آمده است که، کشاورزان رانده شده از روستاهای اطراف ارومیه و سلماس، که خانه و زمین آنها مورد تجاوز آشکار اربابان سابق قرار گرفته است، از امام خمینی خواسته‌اند که هر چه زودتر متجاوزان سرکوب گردند تا کشاورزان بتوانند با مراجعت به خانه و کاشانه خود به کشاورزی بپردازند. کنترل مرزهای منطقه، جبران خسارات مادی و معنوی روستاییان، و دستگیری و مجازات یاقیان و متجاوزان از جمله خواستهای این دهقانان است.

بسیاری از با زمانندگان ساواک و رژیم سرنگون شده هنوز آشکارا در میان مردم، و بویژه در میان روستاییان نواحی مرزی، پراکنده و به فعالیتهای خرابکارانه خود آزادانه ادامه می‌دهند. چنانکه از برخی خبرها برمی‌آید، این عناصر در مواردی با واحدهای انتظامی محلی رابطه دارند و با استفاده از این پیوستگی است که فعالیتهای چنایکارانه ضد انقلاب بیش از پیش گسترش می‌یابد و به اشکال تازه جلوه می‌کند.

با توجه به این حقیقت که نیروهای اصیل انقلاب ایران در روستاها را بطور عمده دهقانان و زحمتکشان تشکیل می‌دهند، و اینها هستند که می‌توانند، قاطع تر و بی‌گتر از همه، به وجود کانونهای ضد انقلاب در محل خود دست یابند و این کانونها را در نقطه خفه کنند. باید گفت متأسفانه بعضی مقامهای محلی و برخی از کمیته‌ها، با ابراز بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی در برابر اینهمه شورش انقلابی، می‌کوشند دهقانان را به «مسالمت» و تبعیت از سرسپردگان ضد انقلاب وادار کنند.

تجربه همه انقلابها، و از جمله تجربه کاملاً تازه انقلاب مردم ایران، نشان میدهد که برای افشاء و سرکوب ضد انقلاب باید قبل از هر چیز توده‌های مردم، زحمتکشان شهر و روستا را تجهیز کرد، مشکل ساخت و متحد نمود. در برابر چنین نیروی متحدی هیچ قدرت ضد انقلابی قادر بمقاومت نیست. این تجربه را نه فقط بیاد داشته باشیم، بلکه تا دیر نشده است بدان عمل کنیم

مصاحبه «مردم» با رفیق ایرج اسکندری

آخرین قسمت

بی- در مصاحبه‌ای که با مجله تهران مصور، مورخ ۲۵ خرداد، کرده‌اید مسئله اتحاد نیروها مطرح شده است چون نظر بهمان دلالتی که در اعلامیه منتشره در روزنامه مردم مورخ ۲۶ خرداد بیان شده است، پاسخهایی که در مقابل این سؤال آمده، روشن نیست، خواهشمنداست برای خوانندگان روزنامه مردم توضیح دهید: اولاً بنظر شما در شرایط کنونی با چه نیروهایی میتوان و بایست متحد شد؟ ثانیاً موانع این اتحاد کدامند؟ ثالثاً چگونه میتوان باین اتحاد دست یافت؟

ج- جواب این سؤالات را بر نامه حزب توده ایران بدرستی و باروشنی تمام بیان کرده است. بر نامه حزب توده ایران تصریح میکند که «شرط اساسی تأمین پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک، ایجاد جبهه واحد کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک است» و طبقات و قشرهای ملی و دموکراتیک را که بر نامه حزب وارد در این حکم میداند، عبارتند از: کارگران، دهقانان، خسرده، بورژوازی شهر (پیشه‌وران و کسبه)، روشن‌فکران میهن‌پرست و مترقی و قشرهای ملی بورژوازی». بنا بر این در شرایط کنونی که انقلاب ملی و دموکراتیک ایران در نخستین هدف خود، یعنی سرنگون ساختن رژیم جنایتکار پهلوی، با اتحاد همه نیروهای خلق پیروزی یافته است، مسلم است که مسئله اتحاد همه این نیروها و عمل متحد آنها در جهت دفاع از دستاوردهای انقلاب، در هم شکستن دستگاه دولتی حکومت وابسته، چنانچه بر فاسد گذشته، سرکوب قطعی ضد انقلاب و اقدام در جهت ایجاد جامعه‌ای متکی بر مصالح و منافع خلق، شرط ضرور موفقیت‌های آینده علیه امپریالیسم و ارتجاع است.

بنا بر این روشن است که بغیر از دشمنان خلق، یعنی طبقات و گروه‌هایی که بنحوی از انحاء وابسته به امپریالیسم و رژیم فاسد، ستکار و خیانت‌پیشه گذشته هستند و یا از سیاست و خط مشی ضد انقلابی آنها بی‌باید بپسندید، همه نیروهای دیگر جامعه با لوقه در این جبهه وسیع ملی و دموکراتیک جادارند.

بدیهی است که ایجاد چنین اتحاد وسیع نیروهای ملی و دموکراتیک جامعه ایران، امر ساده‌ای نیست. یک سلسله دشواریهای عینی و ذهنی در برابر این مهم وجود دارد که بنا به تصریح برنامه حزب «باید با پیگیری، ابتکار، ارشاد و حرکت کام بکام باین هدف مهم که وثیقه پیروزی خلق است دست یافت».

تردید نیست که طبقات و قشرهایی که با لوقه در این اتحاد وسیع جادارند، از لحاظ طبقاتی منافع مشترک ندارند، و ناچار گروه‌های سیاسی که نماینده طرز تفکر آنها هستند، نمیتوانند در باره همه مسائل سیاسی و اجتماعی وحدت نظر داشته باشند.

ولی اتحاد سیاسی برای انجام هدفهای مشخص بمعنای وحدت نظر در کلیه زمینه‌ها نیست، زیرا اگر در همه مسائل اتفاق نظر میبود، آنگاه سخن از اتحاد دیگر مفهومی پیدا نمیکرد. شمار اتحاد در جهت نقاط و هدفهای مشترک، منطقاً متضمن وجود اختلاف نظر در برخی مواضع و اشتراک در بعضی دیگر است.

پیروزی انقلاب بزرگ خلق ما با صراحت تمام این حقیقت را آشکار ساخت که میلیون‌ها مردم کشور ما، علی‌رغم گرایشهای گوناگون عقیده‌ای و سیاسی توانستند گرد شام و واحدی، همانا سرنگون ساختن رژیم مغفورو وابسته پهلوی، متحد شوند و به نخستین هدف انقلاب با قدرت جمعی خود دست یابند. ولی اتحاد بمنظور سرنگون ساختن رژیم که سدره انقلاب است، بر اثر آسانتر از متحد ساختن نیروها در دوران سازندگی است. زیرا رژیم که مانع انقلاب است، بطور عینی در خارج وجود دارد و چون ملموس است، در برابر همگان تجلی میکند، در صورتیکه در مورد مسائلی که در دوران سازندگی انقلاب مطرح میشود، هدفها و نظرات طبقات و اقشار مختلفه جامعه، نظریه‌انگیزه‌های طبقاتی آنها، ناگزیر متفاوت است.

این پدیده هم اکنون در جامعه ما بنحو بارزی چشم میخورد. نمیتوان متکرر شد که اکنون میان سیاست حزب ما، که متوجه تمهیق همه جانبه انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک است، و سیاست گروه‌های دیگر سیاسی، چه از لحاظ تشخیص جهت عمده مبارزه در لحظه کنونی و چه درباره درجه پیگیری دموکراتیک دفاع از دستاوردهای انقلاب و هدفهای دورنمایی آن، اختلاف نظرهای گاه جدی وجود دارد. ولی این اختلاف نظرها هر چه باشد، نافی وجود نقاط مشترک نیست.

بر پایه همین نقاط مشترک است که میتوان و باید اتحاد نیروها را تأمین نمود. آنچه در لحظه کنونی، بنا بر اولویت، میتواند همه نیروهای خلق را متحد سازد، عبارت از مبارزه علیه جبهه متحد ضد انقلاب، یعنی عمل مشترک امپریالیسم و عمال رژیم سرنگون شده، دفاع از دستاوردهای انقلاب و تثبیت و تحکیم پایه های رژیم دموکراتیک آینده است. در واقع همه نیروهای ملی و دموکراتیک ایران، صرف نظر از تفاوت در ارزشها و مواضع مختلفی که نسبت باین یا آن مسئله سیاسی و اجتماعی دارند، در اقدام بمنظور غیر قابل برگشت ساختن رژیم وابسته اختناق و ترور گذشته (بهر صورتی که بخواهد تظاهر کند) منافع مشترک واقعی و غیر قابل انکار دارند و بنا بر این میتوانند با هم بدین منظور وحدت عمل و اتحاد داشته باشند.

عدم درک این واقعیت سیاسی، مطلق ساختن نظرات و اختلافات بجای تکیه بر جهات مشترک که به دادن به ضرورت وحدت عمل و اتحاد در برابر رصفت متحد امپریالیسم و ارتجاع، انحصارجویی در اندیشه و عمل، خود بستدگی، پیش داوری درباره احزاب و گروه‌های دیگر، بویژه دموکرات حزب توده ایران... بطور فشرده اینها ذهن‌های هستند که تاکنون مانع از پیشرفت امر اتحاد شده‌اند. بدیهی است که امپریالیسم و ارتجاع کوشیده و می‌کوشند که ماهرانه از این تفرقه نیروها استفاده کنند و تا حدی که امکان دارند برای ایجاد و تعمیق شکاف میان نیروهای خلق تحریک و تبلیغ نمایند.

حزب توده ایران همواره بر این عقیده بوده و اکتون نیز بر این عقیده است که اتحاد نیروهای خلقی از لحاظ عینی امری است ضرور و دست‌یافتنی. حزب ما به هم خود می‌کوشد از راه توضیح روشن مواضع خود (چه در گذشته و چه در لحظه کنونی) از طریق مذاکرات دو جانبه و چند جانبه بمنظور رفع شبهه‌ها و آماده ساختن زمینه وحدت عمل، از راه شرکت در اقدامات مشخص، به همراه گروه‌های دیگر، و یک سلسله همکاریهای دیگر در جهت شمارش مشترک مبارزه در لحظه کنونی بر رفع موانع و هموار ساختن زمینه های لازم برای اتحاد همه نیروهای خلق موفق گردد. بنظر ما، اگر این کوشش‌ها از جانب گروه‌های سیاسی دیگر نیز بکار بسته شود، میتوان با سرعت اوقات به جبهه واحد دست یافت.

س: سیاست حزب در مورد آزادیهای دموکراتیک چیست؟ پیوند مبارزه بر ضد امپریالیسم و مبارزه در راه آزادیهای دموکراتیک چیست؟ لبه تیز مبارزه در شرایط کنونی باید بر ضد چه باشد؟

ج- دفاع از حقوق و آزادیهای دموکراتیک و مبارزه بیکر و مستمر برای آن، یکی از اصول برنامه‌های حزب ما و خط مشی سیاسی آنست. حزب ما همواره، طی دورانهای مختلفه حیات خود، مدافع سرسخت حقوق و آزادیهای مردم بوده و هیچگاه از این وظیفه سر باز نزده است. یک مراجعه حتی سطحی به اسناد و مدارک رسمی حزب ما، به مقالات و جزوه‌های متعددی که از جانب حزب ما انتشار یافته و به گفتارهای رادیوی پیک ایران، بروشنی تمام این حقیقت را نشان می‌دهد. بنا بر این مسلم است پرسشی که مطرح شده مربوط به سیاست حزب در لحظه کنونی است، نه در باره خط مشی حزب در دوران پیش از انقلاب.

برای پاسخ باین سؤال بدوا باید متذکر شوم که میان مبارزه علیه امپریالیسم و مبارزه برای حقوق و آزادیهای دموکراتیک پیوندی ناگسسته وجود دارد. در واقع در عین اینکه مبارزه علیه امپریالیسم بدون برخورداری مردم از حقوق و آزادیهای دموکراتیک نمیتواند به نتیجه قطعی برسد، نفس مبارزه ضد امپریالیستی خود ماهیتاً مبارزه در راه حقوق و آزادیهای دموکراتیک است، زیرا تا امپریالیسم بر کشوری حاکم باشد، نیل به آزادی واقعی مقدور نیست. این دو مبارزه دوروی یک‌مدال هستند و نمیتوان یکی را بدون دیگری به نتیجه رساند. اما در هر لحظه معین، یکی از این دو مبارزه یگانه میتواند اولویت پیدا کند و بصورت وظیفه عمده در آید، یعنی کوششها و فعالیتها سیاسی باید ضرورتاً یکی از آن دو را بردیگری مقدم دارد. اما این اقدامیت بهیچوجه بمعنای نفی آن وظیفه دیگر نیست، بلکه فقط بمنزله تأبیت آن از وظیفه عمده است. بدین سخن، در لحظه کنونی مبارزات انقلابی کشور ما، هنگامیکه نبرد برای سرکوب ضد انقلاب، سرگردگی امپریالیسم، و بمنظور ریشه کن ساختن نفوذ و ویران ساختن نقاط رخنه آن در حیات اقتصادی و سیاسی کشور، بصورت وظیفه مقدم همه نیروهای ملی و دموکراتیک در آمده است، مبارزه در راه حقوق و آزادیهای دموکراتیک ضرورتاً باید در چهار چوب این وظیفه مقدم قرار گیرد و هر عملی در این زمینه باید با توجه به جهت عمده مبارزه و احساس مسئولیت در برابر وظیفه مقدم انجام شود، بنحویکه مبارزه در راه حقوق و آزادیهای دموکراتیک نتواند به مبارزه ضد امپریالیستی زیان برساند و وسیله‌ای در دست دشمنان انقلاب برای تضعیف قدرت انقلابی و منحرف ساختن مردم از مبارزه اساسی گردد.

بدیهی است که این حکم نمیتواند بمعنای نفی مبارزه در مواردی باشد که حقوق و آزادیهای خلق از جانب دولتی یا ارگانهائی که قدرت انقلابی را اعمال میکنند، نقض میشود و وظیفه عمده مبارزه حکم میکند که در این موارد حزب ما علیه چنین اقداماتی به جانبداری از نیروهای خلق برخیزد و از حقوق و آزادیهای نقض شده دفاع نماید، تا مبارزه متحد ضد امپریالیستی در نتیجه نقض این حقوق و آزادیها تضعیف نشود.

از سوی دیگر منطق درونی انقلاب حکم میکند که از افتادن در دام مطلق سازی حقوق و آزادیهای دموکراتیک بپرهیزیم. یعنی باستناد مطلقیت حقوق و آزادیهای دموکراتیک، بدست خود اسلحه نیروهای ضد انقلابی را بر اثر نکیم و آلت تسهیل و تسامحی برای امپریالیسم و ارتجاع نگردیم. در واقع اگر چنین اطلاق را بپذیریم، آنگاه باید دست نیروهای ضد انقلاب را مثلاً برای ایجاد احزاب هوادار امپریالیسم و رژیم گذشته، برای تبلیغ علیه حکومت انقلابی خلق، برای اقدام جمعی بر ضد آن و غیره باز گذاریم، یا ببارت دیگر، راه دشمنان انقلاب را، با تکیه قدرت انقلابی خلق، هموار سازیم. نیاز به توضیح نیست که چنین عملی نه تنها به تأمین حقوق و آزادیهای خلق کمک نمیکند، بلکه درست در جهت سلب این حقوق و آزادیها از مردم است. بنا بر این تدبیر صحیح انقلابی حکم میکند که این باصلاح آزادی مطلق را فدای آزادی و حقوق واقعی مردم کنیم و با قدرت انقلابی مانع از آن شویم که دشمنان خلق از حقوق دموکراتیکی که خود مطلقاً برای مردم قائل نیستند، بزبان منافع خلق استفاده نمایند.

دفاع از حقوق و آزادیهای دموکراتیک خلق و مقاومت در برابر نقض این حقوق و آزادیها نه تنها حق مسلم مردم است، بلکه وثیقه اساسی برای جلوگیری از بازگشت رژیمهایی نظیر گذشته است. جنبش انقلابی خلق ما نشان داد که فقط در سایه اتحاد و مقاومت جمعی است که میتوان از حقوق و آزادیهای خلق بنحو احسن دفاع نمود و آنرا همه جانبه گسترش داد. تنها با برخورد صحیح در مورد استفاده از این حق و با توجه به مصالح نهضت در مجموع آن و تشخیص مبارزه عمده از غیر عمده در لحظات معین است که میتوان به تحکیم و تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک و پیشرفت جامعه در جهت دموکراسی واقعی یاری رساند. در شرایط کنونی مهمترین عمل در جهت تجلی و تأمین دموکراسی

عبارتست از، دفاع از دستاوردهای انقلاب در برابر نیروهای متحد امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن، زیرا نخستین هدف ضد انقلاب سرگردگی امپریالیسم امریکا، جز سرکوب آزادی در کشور ما چنین دیگری نیست.

س- سیاست حزب رادر پشتیبانی از امام خمینی و رهبری انقلاب چگونه ارزیابی میکنید؟ بنظر شما چه سیاستی باید در قبال دولت موقت و اقدامات آن در زمینه‌های گوناگون اتخاذ شود؟ دوگانگی قدرت باید بسود چه نیروئی پایان یابد؟

ج- در کشور ما یک انقلاب بزرگ خلقی، که محتوای آن ضد امپریالیستی (ملی) و دموکراتیک است، با شرکت تمام طبقات و اقشار مردم بوقوع پیوسته و مرحله اول آن، که عبارت از سرنگون ساختن رژیم وابسته، جابر و فاسد پهلوی است، بانجام رسیده است. تردیدی نیست که در پیروزی این انقلاب امام خمینی نقش رهبری قاطع و بی‌مانندی را ایفا نموده است و به همین جهت مورد احترام و تجلیل همه نیروهای ملی و دموکراتیک جامعه ایران و از آن جمله حزب توده ایران است. ولی با وجود آنکه سد اساسی راه انقلاب، یعنی رژیم دیکتاتوری محمدرضا پهلوی از میان برداشته شده است، هنوز وظایف مهم انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک حل نشده باقی مانده و باید با تمام قوا کوشید تا نه تنها دستاوردهای انقلاب حفظ شود، بلکه وظایف اساسی ساختمان جامعه نوین ایران انجام شود و هدفهای ملی و دموکراتیک خلق ایران به بهترین وجهی تحقق یابد. در این مرحله نیز امام خمینی، بر اساس حیثیت بزرگ سیاسی و اعتبار عظیم معنوی خود، میتواند نقش بسیار بار ارزشی در سرگردگی نیروهای ملی و دموکراتیک ایفا نماید.

اکنون دشمنان انقلاب، سرگردگی امپریالیسم امریکا، دوران سراسیمگی و هزیمت را پایان داده و با تمام قوا برای بازگرداندن اوضاع سیاسی و اجتماعی به دوران گذشته (حتی به لباس و پوشش دیگری) متحد و متشکل میشوند. بدین است خطر عمده‌ای که هم اکنون انقلاب خلق را تهدید میکند، از ناحیه امپریالیسم بویژه امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و عمال ایرانی آن، یعنی همه آن عناصر مرتجعین است که با همدستی و همکاری نزدیک با رژیم پهلوی، نه تنها کشور ما را وابسته به منافع امپریالیستها نمودند و در تحکیم پایه‌های رژیم اختناق و ترور پهلوی کوشیدند، بلکه با چپاول اموال دولتی و استثمار توده‌های وسیع خلق، منافع سرشار و مبالغ کلانی به جیب زدند و اکنون تشنه رجعت بهمان اوضاع و احوال غارتگرانه‌اند.

بنا بر این نخستین وظیفه‌ای که در لحظه کنونی در برابر همه نیروهای ملی و دموکراتیک و رهبری انقلاب قرار دارد، عبارت از مبارزه متحد بمنظور سرکوب ضد انقلاب در تمام اشکال و صور آنست. بدیهی است که در زمینه قطع نفوذ سیاسی و اقتصادی امپریالیسم و ویران ساختن پایگاههای مختلفه رخنه آن در شئون مختلفه حیات جامعه ما، مقام اول را در مجموع، مبارزه علیه ضد انقلاب اجزاز میکند.

اظهارات قاطع، اقدامات بیکر و دلالت‌های سودمند امام خمینی بروشنی تمام نشان میدهد که امام مصمم است در زمینه این نبرد برای قطع نفوذ امپریالیسم و ویران سازی راههای رسوخ آن، بی‌تزلزل قدم بردارد و نیروهای خلق را در این راه رهبری نماید. به همین سبب حزب توده ایران وظیفه میهنی و ملی خود میداند که در این نبرد جهانی علیه امپریالیسم، با تمام قوا از مواضع ضد امپریالیستی آشتی ناپذیر امام خمینی و رهبری انقلاب پشتیبانی نماید. بنظر من سیاستی که رهبری حزب ما در این مورد، بر اساس اولویت مبارزه علیه امپریالیسم و ضد انقلاب اتخاذ نموده، در مجموع خود منطقی و درست است.

دولت موقت، ارگان اجراء سیاست رهبری انقلاب در معیاس دولتی است و لذا باید بطور کلی در پیوند با مجموع رهبری انقلاب مورد توجه قرار گیرد، ولی چون ترکیب آن از لحاظ طبقاتی با دیگر ارگانهای انقلاب متفاوت است، ناگزیر عملاً تفاوتی نیز در نحوه اجراء سیاست و خط مشی آن بروز میکند، که گاه بصورت اختلاف جلوه گر میشود. بنظر من روش سیاسی حزب بر مبنای سیاست کلی‌اش در مورد پشتیبانی از مواضع ضد امپریالیستی رهبری انقلاب و اتحاد همه نیروهای انقلابی و در عین حال میانه بیان تذکرات انتقادی درباره انحراف از این خط مشی در موارد مشخص درست است.

بدیهی است که موضع انتقادی صادر مورد انحراف و ناپیکری از این خط مشی، بمعنای مخالفت با دولت موقت نیست. تا هنگامیکه دولت موقت، بمثابه ارگان اجرائی سیاست رهبری انقلاب تسلیتی میشود، مخالفت با آن به تقویت رهبری انقلاب کمک نمیکند و لذا نقض غرض است. انتقاد بمنظور اصلاح و دلالت است و هدف آن برانداختن دولت نیست، در صورتیکه مخالفت در جهت تغییر است، امری که در لحظه کنونی جنبه فرعی دارد و سیاست حزب توده ایران بر آن قرار نگرفته است.

اما نظر باینکه ارگانهای مختلف اجرائی برای تحقق هدفهای انقلاب در کنار هم بوجود آمده‌اند و تا حدود زیادی جدا از یکدیگر عمل میکنند و ناگزیر در شیوه اجراء رهنمودها و تفاوتی گاه فاحشی بروز می‌نمایند، یک نوع دوگانگی قدرت پدید شده، که اگر مدت زیادی ادامه یابد، نه تنها بسود انقلاب نیست، بلکه خطرات احتمالی جدی در بر دارد. هر قدر زودتر این دوگانگی قدرت پایان یابد، وضع برای پیشرفت هدفهای انقلاب مساعدتر میگردد. بدیهی است که این دوگانگی باید بسود یک مرکز قدرت انقلابی منبسط از خلق پایان یابد. بطوریکه معلوم است تصویب و اجرائی قانون اساسی در این جهت است. رهنمودهای امام خمینی در مورد اهمیت حیاتی تسریع در تصویب قانون اساسی هم این نظر را تایید میکند. رهنمودها در این باره

پایان

نامه يك كارگر

بررسی کوتاهی از اوضاع پالایشگاه آبادان

بعد از سرنگونی رژیم منفقور پهلوی، که در آن کارگران صنعت نفت جنوب سهمی بسزا و قطعی داشتند، و پس از اینکه ریاست هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران به آقای نزیه سپرده شد و همچنین پس از سخنرانی ایشان در محوطه کارگاه مرکزی پالایشگاه آبادان، که برای اولین بار صورت میگرفت، ایشان خاطرات نشان نمودند که کلیه تبعیضات و تمذیبات حقوقی در پالایشگاه بصورت همه جانبه ای مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار میگیرد و در کوتاه مدت به همه خواستهای رفاهی و اقتصادی کارگران بصورت رسیدگی خواهد شد. این نوید، خصوصاً پس از سرنگونی رژیم منفقور پهلوی، طبقه کارگر ایران (خصوصاً کارگران صنایع نفت) را که صادقانه به انقلاب عظیم مردم ایران

بعد از چندین جلسه مشورتی و حقوقی با نمایندگان منتخب کارگاهی در پالایشگاه آبادان، این نگرانی شدت بیشتری یافته، تا آنجا که بتدریج به استعفاي نمایندگان کارگاهی انجامیده و نمایندگان کارگران دلیل استعفا را اکثراً، مسئولیت سنگین و گرفتاریها قلمداد کرده اند.

بعد از وقایع اخیر، جو نارضایتی بصورتهای افسردگی و جمعی در پالایشگاه بظهور رسیده است که این خود، پس از نگاهی کوتاه به جو اخیر ایران و زور خوردنهای مسلحانه و تحریکات ضد انقلاب در اکثر شهرهای ایران مانند، سمنجان، نطنز و اخیراً جریانات خنثی شهر، نگرانی زیادی را در کارگران آگاه بوجود آورده است. این روش هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران را چگونه میتوان توصیف و تجزیه و تحلیل نمود.

ایشان در جلسه های مشورتی با نمایندگان منتخب کارگاهی، از خالی بودن خزانه دولت و صبر انقلابی صحبت کرده اند، در حالیکه در مصاحبه ای با آئیندها فرموده اند که «ما ملت مستضعفی هستیم و دوازده میلیارد دلار ذخیره ارزی داریم. ایشان در مورد تعدیل حقوق کارگران و کارمندان نیز صحبت کرده و وعده هایی در این مورد داده اند، لیکن این وعده ها تاکنون تنها شامل کارمندان شده است و در مورد کارگران صنعت نفت، بعد از نزدیک به ۵ ماه که از انقلاب پیر زنده مردم قهرمان ایران گذشته هنوز هیچگونه اقدامی در مورد کارگران صورت نگرفته است، که خود جای بسی نگرانی است.

این چگونه رفتاریست و چگونه میتوان آنرا توضیح داد؟ خصوصاً اینکه از جانب گروه های چپ رو و چپ نما، اعلامیه هایی تحریک کننده در پالایشگاه آبادان پخش میشود، که باز هم جای بسی نگرانی است. اگر در این جو نامساعد، اعتصابی از طرف کارگران صنعت نفت صورت گرفت و ضد انقلاب با تحریکات گسترده خود شروع به بسط و گسترش این اعتصاب نمود و آنرا همه گیر کرد، تنها و تنها این حرکت بسود ارتجاع و امپریالیسم و ضد انقلاب است.

در این صورت، روش کنونی مسئولان را چگونه میتوان توضیح داد؟ هم اکنون در این مورد زنده ها ای در برخی نقاط پالایشگاه بچشم میخورد که عیقا نگران کننده است. کارگران آگاه و مسئول از مسئولان شرکت ملی نفت ایران، خصوصاً از آقای نزیه جدا و سربا خواستارند تا به این سوالات پاسخ گویند و هر چه زودتر در مورد خواستهای رفاهی کارگران اقدامات عاجل بعمل آورند.

اخبار کارگری

اضافه حقوق کارگران شوکت ارج

در جلساتی که نمایندگان شورا با مدیران داشتند، قرار بر این شد که علی الحساب ماهانه مبلغ ۶۰۰۰ ریال به عنوان اضافه حقوق به کارگران شرکت پرداخت شود تا اینکه ظرف هفته آینده از طرف وزارت کار برای دادن اضافه حقوق دستوری صادر شود. در مورد اضافه حقوق کارمندان هنوز به نتیجه ای نرسیده اند و قرار است که در جلسات بعدی در این باره گفتگو شود.

در کارخانه قرقره زیبا

کارخانه قرقره زیبا حدود ۷۰۰ کارگر دارد که تقریباً ۳۰۰ نفر آنها زن هستند. کارگران از نظر رفاهی شدیداً در مضیقه اند و حتی از داشتن ناهار خوری محرومند آنها دستمزدی کمتر از ۵ تومان میگیرند، در حالیکه کارشان بسیار مشکل است و روزانه هشت ساعت باید سر پا باشند.

تحصن نامحدود در آندگان شوکت کا، تی، تی

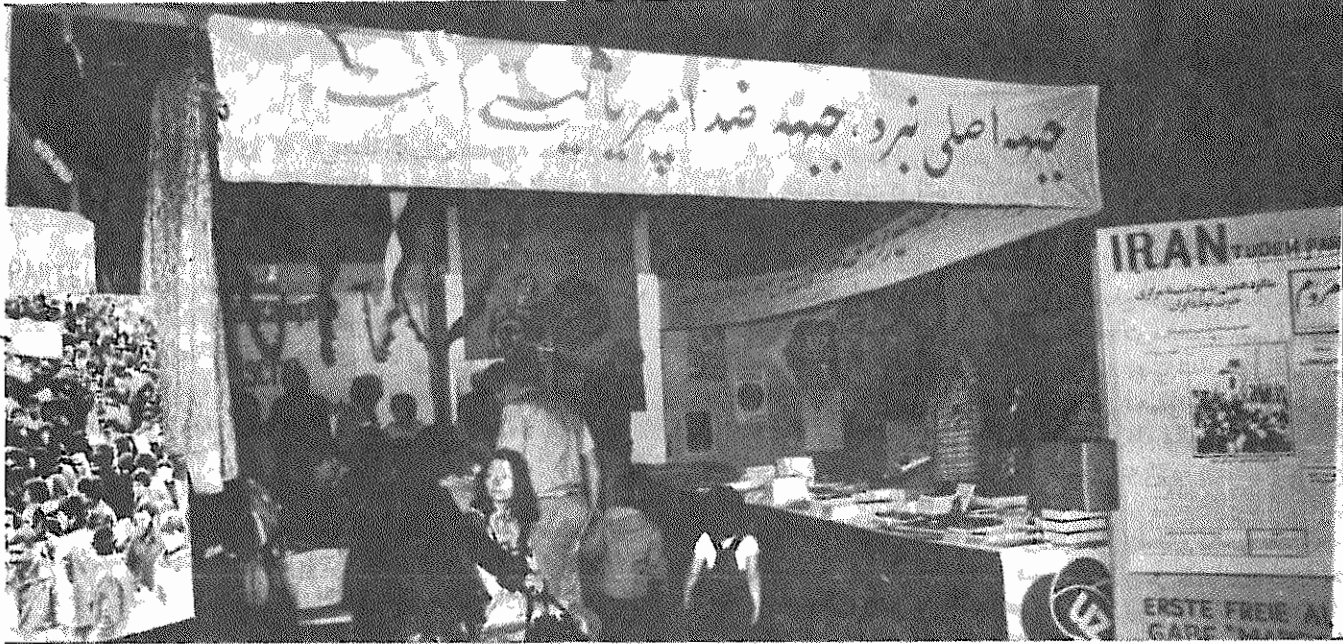
راندگان شرکت حمل و نقل کا، تی، تی در کمان، که یکبار بعلت عدم توجه بخواستهایشان بدست سه روز در محل استانداری تحصن اختیار کرده و سپس در روز ۲۶ خرداد مدت ۲۴ ساعت اعتصاب غذای خشک اعلام نمودند، از روز ۲۷ خرداد دست به تحصن نامحدود زدند.

خواستهای کارگران عبارتست از:

- پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده
- ارجاع کار در صورت واگذار نکردن کامیون تریلرها،
- پرداخت کلیه خساراتی که تاکنون متحمل شده اند.

تصحیح

در شماره ۳۲ «مردم» در خبر مربوط به شرکت رفیق تقی کی منشی در جشن سالانه روزنامه اوتست، ارگان مرکزی حزب کمونیست آلمان، متأسفانه اشتباهات چاپی زیر رخ داده است که بدینوسیله تصحیح می شود: در سطر سوم بجای شهر «وین»، شهر «اسن» و در سطر های ۲۲ و ۲۵ بجای «نمونه»، «رضه» صحیح می باشد.



غرفه «مردم» در جشن روزنامه «اوتست» ارگان حزب کمونیست آلمان

و نگرانی خود را در باره آینده این کشور و مشکلاتی که هم اکنون با آن روبرو است، اینک فقط میتوانم با کمک به روزنامه «مردم» ابراز دارم.»

رفیق آلمانی همراه این کارت، صد مارک آلمان فدرال نیز همراه کرده است. از این پیوند انترناسیونالیستی خوشحالیم و از کمک رفیق آلمانی صمیمانه سپاسگزار.

تصویر نامه رفیق آلمانی همراه با پاکت آن، که روی آن بخط خودش نوشته شده «مردم»، بر روی تصویر نخستین شماره دوره علنی «مردم».

در جریان جشن «اوتست»، یک رفیق آلمانی کارتتی به «مردم» نوشته است که ترجمه آن در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد: «سالها پیش، یک رفیق ایرانی آخرین آثار نفوذ افکار مائوئیستی را در زمینه تردیدهایی که من نسبت به سیاست اتحاد شوروی داشتم، از من زدود. و این را امکان داد که من بصورت اتحادیه دانشجویان مارکسیست (اسپارتاکوس) در آیم. بعدها یک رفیق عضو حزب توده ایران اهمیت حزب طبقه کارگر را برای من روشن ساخت. و این، امکان داد که من بصورت حزب کمونیست آلمان در آیم. با حفظ پیوند نزدیک خود با مردم ایران، شادی خود را از تکامل سیاسی سال اخیر در ایران

بقیه از صفحه ۱

مارکسیسم فرمودید؟ کدام مارکسیسم؟ مارکسیسم ترسکی؟ مارکسیسم و مائو؟ مارکسیسم انور خوجه؟ و غیره. مارکسیست - لنینیستهای ساختگی یا منحرف با اقدامات خود، خواه این اقدامات اعمدانه و طبق نقشه دشمن باشد، خواه این اقدامات از روی مصومیت و بعلت خامی و درک غلط و ناراسا از مارکسیسم، عملاً مارکسیسم - لنینیسم را بعنوان یک نظریه علمی و انسان دوستانه، بعنوان یک نظریه طرفدار خلق، هوادار دموکراسی، بعنوان پرچم ظفر مند اندیشه ای پر لبتاریا، لکه دار می کنند و آنرا خشکمنزانه، متعصبانه،

سیاست امپریالیستی ...

بی رحمانه، بی نرمش، دشمن واقعیت، دور از زندگی، دور از اخلاق، جلوه گر میسازند. نه فقط امپریالیسم خود، بدست عمال رخنه گر خود، که بدروغ و ریا، ماسک انقلابی بر چهره میزنند، در جهت بی اعتبار ساختن مارکسیسم می کوشد، بلکه ما هر آنه از خامی و بی تجربگی و احساسات متعصبانه ملی و شورهای نارس دیگر مارکسیست - لنینیستهای صدیق استفاده می کند و می گوید: «اینهم آن مارکسیسم - لنینیسم که فرمودید!»

نمونه هایی مانند «گارد سرخ» و «انقلاب فرهنگی» در چین، یا گروه اقدامات تبه کارانه پل پت-یا نیک سوری در کامبوج، آب در آسیاب تبلیغات امپریالیستی علیه مارکسیسم می ریزد. در حالیکه چهره هایی مانند لنین و جانشینان و شاگردان و فادارش از نوع هوشی مینها و فیدل کاستروها، باعث اعتبار اندیشه انقلابی و رسوائی دشمنان آن می گردد.

ما اکنون در ایران با هر دو نوع مارکسیسم، «مارکسیسم» ساختگی امپریالیسم و «مارکسیسم» خام و کودکانه، که نام مارکسیسم را یکجا عامدانه و یکجا نهمصوما نه، مبتذل می کند، روبرو هستیم. در مورد «مارکسیسم»

بقیه از صفحه ۱

اینکار را بنام همبستگی سوسیالیستی میکنند. آیا این با سیاست عدم تعهد مطابقت دارد؟ پاسخ - ماهیچیک از اسلحه های خودمان را در خارج از لیبی بکار نمیبریم.

قذافی در پاسخ سوالی میگوید: سیالیایی ها را در آمریکا کشته است هر خارجی در آمریکا که از نظر سیا با هوش و یک خطر بالقوه باشد، از بین برده میشود.

خبر نیکار نیوزویک میپرسد: آیا واقفاً به این امر معتقدید؟ قذافی پاسخ میدهد: آری، معتقدم. از نظر اجتماعی، آمریکا نه در قرون وسطی، بلکه در قبل از قرون وسطی بسر میبرد. ولی چون شما بر قدر تید، هیچکس جرأت نمیکند شما را از سازمان ملل متحد اخراج کند و به دادگاه بسپارد، جایی که شایسته شماست. این حقیقت محض است. اگر کارهایی را که آمریکا میکند، یک کشور کوچک انجام میداد، از سازمان ملل اخراج میشد، ناشی در لیست سیاه قرار میگرفت و از طرف همه کشورهای تحریم میگردد. ولی چون اینکارها را یک ابر قدرت میکند، شما مصونیت دارید.

پرسش - آیا این موضوع در مورد شوروی هم صدق میکند؟ مثلاً

قذافی گفت ...

برای گولاگهایشان؟ پاسخ - گولاگها چی هستند؟ خبر نیکار، گولاگها اردوگاههای کار برای ناراضیان سیاسی اند.

قذافی، شورویها ژاد پرست نیستند. من در این باره صحبت میکنم.

پرسش - آیا هدفهای سیاست خارجی دولت شما بطور دائم التزایدی با سیاست خارجی اتحاد شوروی تطابق پیدا نمیکند؟ پاسخ - اتحاد شوروی برای لیبی صرفاً یک دوست است. و مناسبات ما بر اساس دوستی نزدیک و تفاهم متقابل قرار دارد. ما تصمیم داریم برای همیشه غیر متعهد باقی بمانیم. ما با اتحاد شوروی در زمینه مسائل معینی در سیاست خارجی توافق داریم، اما هر کدام مشکلات گوناگون داخلی خودمان را داریم و در مورد راه حل آنها هم عقیده نیستیم. ولی مثلاً ما هر دو معتقدیم که مدیترانه باید از نیروی دریائی کشورهای بیگانه، از جمله دو ابر قدرت، پاک شود. و ما هر دو در زمینه تشنج زدائی، بشا به وسیله ای برای استقرار همزیستی مسالمت آمیز، که همه کشورهای را در بر بگیرد، توافق داریم. همچنین در مورد مسائل مربوط به اهمیت اروپا

ساختگی امپریالیستی عرضی نداریم. تکلیف روشن است. اما در مورد مارکسیسم چپ گسرایانه برخی انقلابیون صدیق، همیشه حاضر به گفتگوی برادرانه هستیم و آرزو مندیم که بین ما و آنها زبان مشترک و شوشه مشترک یافت شود. وقت آنست که اندیشه والا، طبقاتی، انسانی، علمی انقلابی - انتقادی مارکسیسم لنینیسم با تمام جلوه واقعی خویش در میهن ما تجلی کند و جان بخشی، واقع گرائی، نرمش عملی و استواری اصولی خود را در نبرد روزمره آشکار سازد. از همه رفا و یاران حزب می خواهیم که این مطالب را خود با دقت مورد بررسی قرار دهند و در تلاش معنوی - تبلیغی خود آنها برای دیگران روشن سازند.

میکند که دولتهای مترقی عرب به پیمان ورشو ملحق شوند و موشک های هسته ای در افریقای شمالی و شبه جزیره عربستان مستقر گردد تا بتوان با سیاست خصمانه آمریکا علیه ملت عرب مقابله کرد، هر چند که ما مخالف پیمانها و اتحادهای نظامی و سلاحهای هسته ای هستیم.

پرسش - گروهی از رهبران کشورهای اروپا، افریقا، خاور میانه و جنوب خاوری آسیا، استراتژی بزرگ شوروی را برای کنترل نقاط حساس، از جمله تنگه هرمز، باب المندب، دادنازل و تنگه جبل الطارق بچشم می بینند. بعقیده آنها هدف از برانگیختن جنگ و انقلاب در جهان سوم بدست آوردن کنترل معینی بر نفت خلیج فارس و معادن افریقای جنوبی است تا بدینوسیله اروپای غربی خنثی شود. کوبا، اتیوپی و یمن جنوبی در سطح استراتژیک با اتحاد شوروی همکاری میکنند. آیا لیبی هم در این همکاری شریک است؟ پاسخ - ما معتقد نیستیم که شوروی در فکر تسلط است. بعقیده ما این کشورها پس از وقوع انقلاب خواهان کمک از شوروی و کوبا میشوند و آنها نیز این خواست را بر آورده میسازند، همانطور که ما میکنیم. اتحاد شوروی به خواست برای دفاع از انقلابهای پیر و زمند پاسخ مثبت میدهد.

تجاوزات گستاخانه اسرائیل ادامه دارد



خبرگزاری فلسطینی وفا ضمن صدور اعلامیه‌ای رسمی، اعلام داشت که دفاع ضد هوایی نیروهای مشترک فلسطین و ترقیخواه صبح روز چهارشنبه دوفروند هواپیمای نظامی اسرائیل را در جنوب لبنان سرنگون کردند.

اعلامیه صراحت داشت که این دو هواپیما در لحظه‌ای سرنگون شدند که شهر صیدون وارد گناه پناهندگان فلسطینی را در عین حلو، واقع در شرق صیدون بمباران می‌کردند.

در اعلامیه همچنین تصریح شده بود که چند لحظه بعد نیز گروهی دیگر از هواپیماهای اسرائیلی سه ناحیه را در شمال شهر صور بمباران کردند.

خبرگزاری وفا هیچگونه اشاره‌ای به دستگیری دو خلبان این هواپیماها از طرف فلسطینی‌ها نکرد «با اینحال منابع فلسطینی اعلام کردند که نیروهای فلسطینی و ترقیخواه یک خلبان و یک کمک خلبان اسرائیلی را دستگیر کردند.

اجلاس سازمان همپاری اقتصادی در مسکو

آکسی کسکین، رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی، که ریاست هیئت این کشور را در اجلاس سه‌روزه شورای همپاری اقتصادی برپه‌دارد، روز سه‌شنبه، سی‌امین اجلاس سران کشورهای عضو این سازمان را، که هیئت‌هایی از کشورهای جهان سوم نیز به عنوان ناظر در آن حضور داشتند، افتتاح کرد.

نخست‌وزیر شوروی اعلام کرد که اجلاس کنونی نباید هدف برنامه‌های درازمدت همکاری را در تولید صنایع کثیرالمنصرف، توسعه حمل و نقل، جمع‌بندی نتایج اجرای برنامه پنج‌ساله، ارزیابی جریان کار اجراء و تلفیق برنامه‌های اقتصادی ملی برای دوره پنج‌ساله برنامه آینده، مورد بررسی و تأیید قرار دهد.

کسکین سپس درباره ضرورت همکاری کشورهای عضو سازمان در زمینه گسترش صنایع ماشین‌سازی، تولید و مصرف سوخت، انرژی و مواد خام تأکید ورزید.

نخست‌وزیر شوروی از اینکه ویتنام سوسیالیستی بعنوان عضوی جدید به شورای همپاری اقتصادی پیوسته است ابراز خوشحالی کرد و گفت «وظیفه مشترک اکثر ناسیونالیستی، ایجاد می‌کنند که همه گونه کمک در اختیار مردم قهرمان ویتنام قرار دهیم».

کنفرانس توکیو، توکیویی از منافع متضاد

خبرگزاری فرانسه در گزارشی تفسیر گونه خود درباره کنفرانس سران در توکیو از «اختلاف نظرهای عمیق» سخن به میان آورد و اعلام کرد: «هفت کشور بزرگ غربی باید در جلسات روزهای پنجشنبه و جمعه خود به رفع اختلاف نظرهای عمیق خود بکوشند و در برابر مساله انرژی استراتژی مشترکی برگزینند».

هدف اساسی کنفرانس کشورهای بزرگ، یعنی امریکا، ژاپن، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، انگلیس، ایتالیا و کانادا، پس از اجتماع کشورهای تولید کننده نفت (اوپک) در ژنو، این است که برنامه‌های برای محدودیت واردات نفت خام خود تهیه کنند. لکن امریکا، کانادا و ژاپن اعلام کردند:

«به‌موضع کشورهای اروپا نخواهند پیوست و تثبیت واردات نفتی خود را برای سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۵ در سطح سال ۱۹۷۸ نخواهند پذیرفت».

این سه کشور موضع خود را چنین توجیه کردند که تثبیت هدفهای کلی ناممکن است و هر کشوری در تمهیدات خود باید وضع خاص خودش را مورد توجه قرار دهد. آنها همچنین اعلام کردند که اقدام اوپک و واردات بیشتر محدودیت واردات نفت برای خودش صحیح بوده است، چونکه خواهد توانست از افزایش تولید نفت دریای شمال استفاده کند. لکن ژاپن از لحاظ تمام نفت مورد نیاز خود به‌خارج نیازمند است و کانادا نیز ذخایرش در شرف خشکیدن است.

واکنش ژیسکار دستن در برابر سیاست امریکا در مورد انرژی بعدی تند بود که موجب برآشفته‌گی کارتر شد، رئیس‌جمهوری فرانسه در مصاحبه‌ای با نیوزویک از سیاست کارتر در زمینه انرژی سخت انتقاد کرد و گفت: «وی بخلاف آنچه ادعا می‌کند سیاست سه‌فوجویی ندارد». یک مقام عالی‌رتبه امریکایی در توکیو گفت: «سخنان پرزیدنت والرئیسکار دستن نه خلاق بوده است و نه مفید و از طرف زمامداران امریکا بنظر مساعد تلقی نشده است».

از طرف دیگر جمعی کارتر رئیس‌جمهوری امریکا و ماسایوشی اوهررا، نخست‌وزیر ژاپن در ضمن گفت‌وگوهای خود در توکیو، مخالفت خود را با پیشنهاد رؤسای کشورهای غربی درباره تثبیت واردات نفت برای پنج سال دیگر ابراز داشتند.

رژیم دست‌نشانده رودزیا به تجاوزات خود ادامه می‌دهد.

به گزارش رویتر از لوزاکا، نیروهای رودزیا با هلیکوپتر به‌خاک زامبیا حمله کردند و هدفهای خود را در شرق لوزاکا از میان بردند. کنت کائوندا رئیس‌جمهوری زامبیا، در پی این حمله، در بسیاری از شهرها مقررات منع عبور و مرور بدت چهار هفته برقرار کرد.

سختگویی دولت زامبیا اعلام کرد که بر اثر حمله هواپیماها و هلیکوپترهای رودزیا دست کم بیست نفر کشته شدند و سی نفر زخمی شدند. منابع اتحادیه خلقی آفریقایی زیمبابوه که خواستار سرنگونی رژیم دست‌نشانده اسقف‌موزوروا هستند اعلام کردند که هدف این حملات، شمال شرقی لوزاکا بوده است.

اعتصاب کارگران سازمان آب و برق بندر اترلی

روز شنبه ۵۸/۳/۱۹ کارگران سازمان آب و برق بندر اترلی برای دومین بار جهت احقاق حقوق صفتی خود دست از کار کشیدند.

کارگران عمده‌ترین خواسته‌های خود را چنین بیان کرده‌اند: ۱- برکناری اگری‌معاون امور مالی و اعلان نیمی معاون امور رفاهی، که از کارکنان اعتصابات کارگران در رژیم سرنگون شده پهلوی بودند و اکنون نیز که در بی‌مبارزات قهرمانانه خلق دلیر و زحمتکش وطنمان برهبری قاطع امام خمینی، بساط ننگین شاه مخلوع برچیده شده و به پایگاه‌های امپریالیستی و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا ضربات سهمگینی وارد آمده است، اینان چهره عوض کرده و به کارگران

برچسب ضد انقلابی می‌زنند. ۲- اجرای هر چه سریعتر طرح طبقه‌بندی مشاغل، که از تاریخ ۵۶/۱۱/۲ تاکنون معلق مانده است. کارگران متذکر میشوند که طی این مدت خواستهای خود را چندین بار با مسؤلین امر و همچنین آقای فرماندار و استاندار گیلان در میان گذاشته‌اند، ولی متأسفانه هیچگونه ترتیب‌اثری در جهت رسیدگی به خواسته‌های آنان داده نشده است.

بناباه گفته یکی از کارگران، آقای حجازیان مدیرعامل سازمان آب و برق در مقابل خواستهای کارگران، آنها را تهدید به تعطیل اداره سازمان آب و برق نیز کرده است.

زمینه‌سازی برای تحریک کارگران در مجتمع فولاد اهواز

روسای شرکت پیمانکاری «مانا»، وابسته به مجتمع فولاد اهواز، که منافع کلان خود را بر باد رفته می‌بینند، از هیچ اقدامی برای آنکه کارگران را رودر روی مدیریت مجتمع قرار دهند و سیر عادی کار را کند کنند، روگردان نیستند. کسانی که تا دیروز زوق‌آین ظالمانه ضد کارگری را علیه کارگران و زحمتکشان بکار می‌بردند، امروز خود پشت‌صاف آنها پنهان میشوند و از زمینه مساعدی که مدیریت مجتمع ایجاد

میکند، نهایت بهره‌برداری را میکنند. گاه این دو عامل (یعنی تحریک محیط کار از سوی مدیریت مجتمع و بهره‌برداری ماهرانه از سوی رؤسای شرکت پیمانکار) چنان با هم آمیخته میشود، که انسان را بفکر و امیدارد. چندی پیش فشار زیادی برای ۹ ساعت کار روزانه بکارگران وارد آمد که با مقاومت آنان روبرو شد و سرانجام ۲۶ خرداد، مدیریت مجتمع طی اطلاعیه‌ای بازگشت به همان هشت ساعت کار روزانه را اعلام نمود.

تحریکات چین علیه ویتنام ادامه دارد

به گزارش خبرگزاری رویتر، دولت ویتنام اعلام کرد که چین دست‌اندرکار تحریکات نظامی در طول مرزهای دریایی و هوایی دو کشور است تا اوضاع مرزی را متشنج کند.

خبرگزاری ویتنام اعلام کرد که سران چین با شلیک دو گشت خمپاره و موشک به نواحی مرزی، واقع در ایالت شمالی های‌وین یک غیرنظامی را بقتل رساندند و یک نفر دیگر را نیز زخمی کردند.

به گزارش همین خبرگزاری، قایقهای تویسار چینی نیز اخیراً به آبهای ویتنام حمله کردند و در خلال دو هفته بیست مورد حادثه مرزی بوجود آوردند.

پرواز یو ۲ و صدوپنجاه میلیون دلار

کشور امریکا هفته گذشته رأی بر قطع کمک پنجاه میلیون دلاری به ترکیه داد. ژنرال اورن رئیس ستاد ارتش ترکیه، که در بازگشت از امریکا در فرودگاه ترکیه با خبرنگاران گفت‌وگو می‌کرد گفت: این اقدام کشور به امتناع ترکیه از دادن اجازه پرواز هواپیماهای جاسوسی یو ۲ امریکا بر فراز خاک ترکیه ارتباط دارد. رئیس ستاد ارتش ترکیه سپس تأکید ورزید که اگر امریکا صدوپنجاه میلیون دلار هم می‌داد، دولت ترکیه اجازه پرواز این هواپیماهای تجسی را بر فراز خاک ترکیه نمی‌داد.

وزیر اقتصاد آلمان فدرال از جنک برای نفت سخن می‌گوید

لامزدورف، وزیر اقتصاد جمهوری فدرال آلمان، در مصاحبه‌ای با روزنامه انگلیسی زبان «هرپروز»، چاپ عربستان سعودی، ضمن تصریح این مطلب که کاهش تولید نفت ایران، از قدرت عربستان سعودی در تثبیت قیمت نازل برای نفت کسخته است، اعلام کرد که اختلال جریان تأمین نفت در جهان، احتمالاً در خلال پنج‌سال آینده باعث بروز جنک میان مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان خواهد شد!

دشمنان واقعی انقلاب را نباید از مردم پنهان کرد

بقیه از صفحه ۶

« اردوگاههای شرق » بکشاند و بازپرور کردن واقعیت‌ها ذهن خواننده و شنونده را مشوب کند. ایشان اینطور افاده مطلب میفرمایند:

« آنها هم که اردوگاههای شرق برایشان الگو و سمبل است، یک نمونه از این کشورها شوروی و چین تا آلبانی و کوبا بیاورند، که حداقل یک بار به مردم برای رای‌گیری مراجعه کرده باشند، چه در شیوه حکومت، چه در قانون اساسی. بنا بر این در کشورهای سوسیالیستی چیزی که مطرح نیست، مردم است.»

بدرستی نمیتوان گفت هنگامی که آقای طباطبائی برای اثبات یک مطلب درست و مورد تأیید اکثریت قاطع مردم در مورد چگونگی تصویب قانون اساسی، مخصوصاً توجه به « اردوگاههای شرق » فرموده و تصویری بکلی مغایر با واقعیت، آنها را بالحنی که زیننده یک مقام رسمی نیست، ترسیم کرده‌اند، تحت تأثیر چه عامل درونی قرار داشته‌اند؟

بنا بر این شاید بی‌مناسبت نباشد که بمنظور رفع سوء تفاهم ایشان، توضیح دهیم که درست برخلاف آنچه ایشان بیان کرده‌اند، در کشورهای سوسیالیستی « مردم، همه چیزند » احترامی که این کشورها در بین توده‌های مردم جهان دارند، درست به همین خاطر است که در آنجا توده‌های مردم‌اند که حکومت میکنند. چون اینجا سخن بر سر قانون اساسی است، بی‌فایده نیست ایشان را باین واقعیت توجه دهیم که، هنگام تدوین قانون اساسی مثلاً در اتحاد شوروی این قانون مدت شش‌ماه تمام در کلیه مطبوعات اتحاد شوروی مطرح بود. دهها هزار نامه و پیشنهاد از طرف سازمانها و افراد بشورای عالی اتحاد جماهیر شوروی رسید. این نامه‌ها طبقه‌بندی شد و صدها پیشنهاد درست و مناسب در طرح قانون اساسی وارد گردید. این طرح بعداً در شورای عالی که از جانب مردم انتخاب شده است، به تصویب رسید. زیرا در شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، اصل و اساس توده‌های مردم و نظر توده‌های مردم و سازمانهای توده‌ای و مردمی است.

باز با کمال تأسف، اگر این تنها موردی بود که ما را در برابر نحوه برخورد آقای طباطبائی، معاون وزارت کشور، با کشورهای سوسیالیستی قرار میداد یحتمل میشد آنرا حمل بر اشتباه و یا نتیجه بی‌اطلاعی دانست، که البته در مورد یک چنین مقامی غیر عادی است. اما اظهارات ایشان به‌خبرنگار سمسای جمهوری اسلامی ایران و نسبتهای عجیب و بکلی عاری از واقعیت و تحریک‌آمیزی که به کشورهای سوسیالیستی و خاصه اتحاد شوروی داده‌اند، ایشان را به مثابه کسی که با یک پیشداوری ناسالم، به‌مسائل عمده مربوط به سر نوشت انقلاب مردم ایران برخورد میکنند، جلوه‌گر میسازد.

روزنامه بامداد، مورخ چهارشنبه ۳۰ خرداد، درباره حوادث بلوچستان چنین می‌نویسد:

« دکتر صادق طباطبائی دیشب در یک مصاحبه با خبرنگار سمسای جمهوری اسلامی درباره تحریکات و تشنج در مرزهای ایران، تأکید کرد که این تحریکات جدی است. وی افزود که امپریالیستهای

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

- رفیق فرحنگی از قائم‌شهر ۲۰۰ ریال
- رفیق کارگر نوریان از قائم‌شهر ۲۰۰ »
- پویا (کودک) ۹۰۰۰ »
- گروه شعبانی ۷۵۰۰ »
- نوید ۱۰۰۰۰ »
- خانواده زویا ۲۰۰۰ »

«یا ایها الرسول، بلغ...»

از رسول رنج به امام خلق

دارم پیام ای امام که زبان خاکیمان و رسول رنج به توام درود، به توام سلام!

آمدی، خوشامدی پیش پای تست ای خجسته بی که خلق میکند قیام.

با تو دست میدهند با تو کام می نهند با تو راه حق بروی خویش باز میکنند با تو قبله را نماز میکنند با تو میرند روز پرستیزه را بشام.

برده اند خان ومانان بباد داده اند، کشته اند حق ما بگیر داد ما برس تیغ بر کشیده را مکن بخیره در نیام.

حالیا که میرود سمند دولت، بران حالیا که تیغ تشنه تو میبرد، بزنج پخت یار و خیر پیش قدرت تو باد پروام.

با تو در کنار تو می نهم به پیش پای گمراهان چراغ میکنم سپاه خشم را بسیج ارتشی ز واژه های زنده میکنم بصف گر تو یاری ام دهی کار را میکنم تمام.

وای اگر که غفلتی غفلتی و انهدام ملتی نه، نیاید آنکه دشمنان خلق را باز بنکریم شاد کام.

زاد و رود رنج خانوار کار افتخار نامه، نامنامه ای نداشته ست - آنچنان که داشتند پیش ازین ستمگران - لیکن از پس زمان ما، بیادگار داشت خواهد از تو هم نگاهداشت خواهد از تو، نام.

فرهاد ره آور - تیرماه ۱۳۵۸

بمناسبت چهارمین سالگرد اعتصاب خونین کارگران نساجی قائمشهر

درود بر کارگران مبارز نساجی قائمشهر! گرامی باد خاطرۀ کارگران شهید!

چهار سال پیش، در روزهای ۷ و ۸ تیرماه، کارگران مبارز نساجی قائمشهر (شاهی)، علی رغم ترور و خفقان شدید، با به عرصۀ نبرد قهرمانانه علیه رژیم ضد کارگری شاه مخلوع گذاردند تا صدای حق طلبانه خود را به گوش مردم ایران و جهان برسانند و سیاست عمیقاً ضد کارگری رژیم را افشاء کنند.

سال ۱۳۵۴، کارگران نساجی قائمشهر برای افزایش سود ویژه دست با اعتصاب زدند. کارگران علاوه بر اعتراض به نحوه تقسیم سود، به «انتخاب» نماینده دروغین کارگران به نمایندگی مجلس شورا نیز معترض بودند. ابتدا رئیس کارخانه کوشش کرد کارگران را با مواعید تو خالی از ادامه اعتصاب منصرف سازد، ولی کارگران فریب او را نخوردند و با اعتصاب ادامه دادند. ابتکار اعتصاب با کارگران بافنده بود که دستگاهها را خوابانیدند و بطور جمعی در کارخانه بحرکت درآمدند و دستگاههای مستقر در بخشهای دیگر کارخانه را نیز از کار انداختند. کارگران مانند سایر روزها به کارخانه نمی آمدند، اما کار نمی کردند و به نوبت اعتصاب را تحویل شیفت های بعدی میدادند. بعد از ظهر روز دوم پلیس وارد عمل شد و از ورود کارگران شیفت ۲ بداخل کارخانه ممانعت بعمل آورد. ولی کارگران مأموران پلیس را بکنار انداختند و وارد کارخانه شدند. پلیس با ساتون بجان کارگران افتاد و آنها را تا راه آهن داخل کارخانه راند و شدیداً مضروب نمود. کارگران که به اوج خشم و عصیان رسیده بودند، با سنگهای داخل ریل بجان مأموران پلیس افتادند. یادگان زاندارمری شیرگاه افراد کمی به کارخانه فرستاد. پلیس و زاندارمری کارگران را از کارخانه بیرون راندند و در کارخانه را بستند. اما نبرد در خارج از محوطه کارخانه میان کارگران و نیروهای نظامی ادامه یافت. پلیس بروی کارگران آتش گشود. چند تن از کارگران مورد اصابت گلوله قرار گرفتند. کارگران پاسخ گلوله ها را با پرتاب سنگ میدادند. ساعت ۱۱ شب، ماشین آب پاش برای متفرق کردن کارگران به محل آمد. تماشاچیان ماشین را با پرتاب سنگ متوقف ساختند، راننده اش را مجبور به تسلیم کردند و ماشین را به آتش کشیدند.

نظامیان خشمگین و هار بجان کارگران و جمعیت تماشاچی افتادند. بار دیگر بروی مردم

آتش گشوده شد، چند نفر مجروح و یک نفر مقتول شد. مجموعاً در جریان تیراندازی بمردم ۴ کارگر کشته و عده زیادی زخمی شدند. سرانجام در ساعت ۳ بامداد نظامی ها توانستند با شلیک گلوله و پرتاب گاز اشک آور مردم را متفرق و عده زیادی را دستگیر کنند. در شهر حکومت نظامی اعلام شد و تا ۹ روز ادامه یافت.

به علامت همبستگی با اعتصاب کارگران نساجی، دانش آموزان و دانشجویان دانشسرای عالی نیز دست به تظاهرات زدند و بطرف عمارت شهر بانی بحرکت درآمدند. عده زیادی از اهالی شهر به صفوف تظاهرکنندگان پیوستند. واحد های پلیس به تظاهرکنندگان حمله بردند و عده ای را بازداشت کردند. برای اعلام همبستگی با اعتصاب کارگران نساجی قائمشهر، در ساری نیز دانش آموزان اعتصاب کردند. در شهر کارگران کارخانه چیت سازی پشتیبانی خود را از همزنجیران خویش اعلام داشتند. بعلمت همبستگی وسیع زحمتکشان شهرهای مختلف مازندران، با آنکه نیروهای نظامی بروی اعتصابیون آتش گشودند، نتوانستند آنها را سرکوب کنند.

پس از هشت روز کارخانه مجدداً بکار افتاد، عده ای از کارگران سرکار خود بازگشتند، اما عده ای هم از کار اخراج شدند.

کارگران قهرمان و مبارز نساجی قائمشهر از این اعتصاب در ساری آموخته ای گرفتند. آنها بیش از پیش پی به ماهیت گردانندگان کارخانه بردند و عملاً آنان را شرک و همدست مأموران ساواک دیدند. کارگران آموختند که اعتصاب باید با برنامه و طبق خواستهای مشخص انجام شود و اتحاد کارگران، وجود تشکیلات و رهبری آگاه و با تجربه شرط ضروری موفقیت کارگران در مبارزه است. کارگران بیش از پیش به نیروی خود واقف شدند و اطمینان یافتند که برخلاف تبلیغات ساواک، دشمن شکست ناپذیر نیست، اما مهمتر از همه همبستگی عمیق دانش آموزان و دانشجویان و قشرهای زحمتکش با اعتصاب کارگران نساجی قائمشهر بود که آغاز پرتوی از اتحاد نیروها در مبارزه علیه دشمن مشترک شد. سرانجام گسترش و تحکیم این بهم پیوستگی خلق در مقیاس سراسر کشور، توانست انقلاب ۲۱ و ۲۲ بهمن را با درود سازد و یک رژیم ضد مردمی را بگوربیسپارد.

پیروزباد مبارزه طبقه کارگران ایران! درود بر شهیدان طبقه کارگر!

توضیح

در شماره ۲۲ «مردم»، نامه مجله «یولداش» درباره جلوگیری از انتشار این مجله، که بدقت «مردم» رسیده بود، درج شد که «مردم» نیز بنوبه خود به این عمل اعتراض کرده بود. لازم به تأکید نیست که درج نامه مجله «یولداش» و اعتراض «مردم» به جلوگیری از انتشار این مجله، بر اساس مشی اصولی حزب در دفاع از آزادیهای دموکراتیک صورت گرفته است و هیچگونه بمعنی موافقت با مشی سیاسی این مجله نیست و نمیتواند باشد.

از مبنای اهداف آن امضا کرده است.

در ماده ۲ قرارداد تصریح شده است که «دولت کشورهای متحده آمریکا، طبق قانون امنیت مشترک مصوب سال ۱۹۵۴ و اصلاحات آن و قوانین مربوط به کشورهای متحده آمریکا (ایران ظاهراً پنجاه و یکمین ایالت از ایالات متحده آمریکا است) و همچنین قراردادهای مربوطه که بین دولت ایران و دولت کشورهای متحده آمریکا تاکنون بسته شده و یا بعد از این بسته خواهد شد...»

متن قراردادهای نیز که «تاکنون بسته شده» (یعنی تا ۱۳۳۷/۱۲/۲۰ بسته شده بود) و یا بعداً بسته خواهد شد (یعنی قراردادهای که از تاریخ تصویب قرارداد دوجانبه تا سقوط رژیم شاه و وطن فروش بسته شده و تعداد آنها، بنوشته «اطلاعات» ۹۷۰ قرارداد تحمیلی است) باید انتشار یابد.

انتشار همه این مدارک برای نشان دادن درجه خیانت رژیم مخلوع آریامهری و در نتیجه برای برکنار کردن ریشه های گندیده و متفن آن ضروری است. این یک اقدام انقلابی واجبی است برای بسیج افکار عمومی جهت لغو تمام قراردادهای تحمیلی و نیز برای جلوگیری از عقد قراردادهای نظیر درآینده.

اگر دولت بخواهد - و بحکم انقلاب ایران باید بخواهد - که استقلال کشور تأمین و تضمین گردد، می بایستی اعمال خیانت کارانه رژیم دست نشانده و استعمار پذیر شاه مخلوع را در برابر افکار عمومی تماماً فاش نماید.

در پایان، بنام مردم ستمدیده و غارت شده ایران و بنام مصالح حال و آینده کشور می خواهیم که دولت رسماً و رسماً متن تمام قرارداد های فاش را که ایران با کشورهای خارجی بسته انتشار دهد. بگذار مردم نسبت به هر یک از آنها قضاوت کنند.

محمد فرنیبا توده ای وفادار در گذشت



توده ای که سال محمد فرنیبا، دوشنبه پنجم تیر ماه در گذشت. وی هفتاد سال پیش، در قزوین متولد شده بود. در آغاز نوجوانی به همراهی پدر در جنبش جنگل شرکت داشت و در قزوین، با همراهی دیگر آزادخواهان، علیه رژیم تزاری مبارزه میکرد. وی در شغل بازرسی عدلیه، در دوران رضاخان، مدتی در مازندران مبارزه شدیدی را علیه دژ خیمان و زردان و متجاوزان به حقوق مردم انجام داد و از جمله رئیس شهر بانی وقت محل را بخاطر تجاوز به حقوق زحمتکشان، از طریق قضائی مورد تعقیب قرارداد و محکوم نمود. وی سپس ناچار از قضاوت استعفاء داد و به کار وکالت دادگستری پرداخت و یکی از وکلای مدافع گروه پنجاه و سه نفر برهبری دکتر تقی ارانی بود. پس از شهریور ۱۳۲۰ و تشکیل حزب توده ایران، وی به حزب پیوست و در مبارزه علیه دیکتاتوری محمد رضای مخلوع شرکت داشت. و یکی از اعضای گروه معاضدت قضایی بود. فرنیبا پس از واقعه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ یکی از وکلای مدافع اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران در دادگاه نظامی بود و در فاصله سالهای ۱۳۲۷-۱۳۳۲، بطور خستگی ناپذیر و کالت عده زیادی از بازداشتیهای سیاسی و توده ای را به عهده گرفت.

محمد فرنیبا در هیئت مدیره جمعیت مبارزه با استعمار شرکت فعال داشت. پس از کودتای ۲۸ مرداد، به اتهام امضاء اعلامیه درخواست اعلام حکومت جمهوری بازداشت شد و در خطر اعدام قرار گرفت. و بالاخره پس از مدتی زندانی آزاد گردید. محمد فرنیبا تا آخرین روزهای زندگی نسبت به حزب خود وفادار بود. خاطره اش گرامی باد.

نیاز به مترجم

دبیرخانه حزب توده ایران نیاز جدی به کمک دوستانی دارد که به زبانهای خارجی بخوبی آشنائی داشته و بتوانند متن برخی اعلامیه ها و اسناد حزبی را به زبانهای انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، عربی، روسی و اسپانیولی برگردانند.

از رفقا و هواداران و دوستان که بتوانند در این زمینه ما را یاری دهند تقاضا داریم هر چه زودتر با دبیرخانه، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ تماس بگیرند. سپاسگزاریم

اسناد ناظر

به قرارداد

دوجانبه

ایران و

آمریکا

باید

منتشر

شوند

روزنامه اطلاعات، در شماره چهارم تیرماه، متن قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا را انتشار داد. روزنامه نامبرده می نویسد که متن آن «امروز بدست خبرنگار ما افتاد». معنای این جمله ظاهراً اینست که دولت نخواست است خود «مسئولیت» انتشار این سند اسارت بخش را بر عهده گیرد. در اینجا قهراً این سؤال پیش می آید که چرا؟

معنای انتشار یافته نشان می دهد که مبنای آن اولاً «اعلامیه ای است که در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۸ در لندن امضاء شده است». ثانیاً «ماده اول پیمان همکاری متقابل که در بغداد در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ با امضا رسیده است». متن آن اعلامیه و این پیمان (بغداد) نیز باید منتشر شود.

سومین مبنای قرارداد، استعمار علنی ایران است. در قرارداد تصریح شده است که دولت ایران «اختیاراتی را که کنسره کشورهای متحده آمریکا برای دادن مساعدت های مقتضی به موجب قانون امنیت مشترک مصوب سال ۱۹۵۴ و اصلاحات آن و همچنین به موجب قطعنامه مشترک برای ایجاد صلح و ثبات در خاورمیانه به رئیس جمهوری آمریکا داده است، به رسمیت می شناسد». باید متن این «قانون امنیت مشترک» و «اصلاحات آن» و نیز متن «قطعنامه مشترک» برای ایجاد صلح و ثبات خاورمیانه، که به رئیس جمهور آمریکا اختیارات نامحدودی برای مداخله، از جمله مداخلات نظامی در کشورهای خاورمیانه میدهد و رژیم دست نشانده سابق ایران اجرای آن اختیارات را در کشور ما پذیرفته بود انتشار یابد.

متون این هر دو سند گرچه بظاهر مربوط به کنسره و دولت آمریکا است، ولی محققان در وزارت خارجه ایران موجودند، و گفته باید قبول کنیم که «دولت شاهنشاهی» قرارداد را حتی بدون اطلاع